

چگونه تحمل و احترام به افکار دیگران و اخلاق و ادب در محیط مدرسه را تمرین کنیم؟

حمید خادم مسجدی^۱، صادق کثیر^۲، حسن ال کثیر^۳

^۱ دکتری تکنولوژی آموزشی، راهبر آموزشی شهرستان شوش، مدرس دانشگاه‌های پیام نور، فرهنگیان اهواز و اندیشک و دزفول
^۲ کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه علامه
^۳ کارشناس راهنمایی و مشاوره، اداره آموزش و پرورش شهرستان شوش

نویسنده مسئول:

حمید خادم مسجدی

چکیده

اهمیت تعامل و پذیرش افکار دیگران در مدرسه، بیش از پیش در جوامع امروزی به جهت تعامل ضروری به نظر می‌رسد. واقعیت امر این است که مبحث آموزش بیش از پرورش مد نظر قرار داده اند و این در صورتی است که مسائل تربیتی از اهمیت والایی برخوردار هستند که البته این امر تا حدود زیادی به ساختارها آموزش و پرورش هر کشوری باز می‌گردد. در واقع معلمان باید دانش آموزان را با اعتماد به نفس، قوی و کار آمد تربیت و هدایت کنند؛ تا بتوانند نظرات مخالف را بشنوند و گاهی اوقات آنها را تحمل کنند لذا توجه به مسئله پرورش فرزندان در کنار مباحث آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است.

به نظر می‌رسد که با توجه به موضوع پرسش مهر ۹۶-۹۷ و وجود عزم جدی از طرف رئیس جمهور محترم بایستی در مدارس برنامه ریزی لازم برای افزایش مهارت های زندگی بیش از درس و نمره مورد توجه قرار گیرد، چرا که نحوه برخورد با زندگی و آدم های پیرامون موضوعی محوری است و اگر این مبحث در رأس اهداف قرار بگیرد آنگاه می‌توان گفت هم آموزش و پرورش و هم معلم به معنای واقعی کلمه در راستای خود حرکت می‌کنند. ولی این نکته را هم باید ذکر کرد که رسانه‌های جمعی و اجتماعی و بخصوص تلویزیون و در جامعه‌ی کوچکتر یعنی مدرسه کادر مدرسه و بخصوص مدیر در بوجود آوردن این جو میتوانند تاثیر چشمگیری داشته باشند پژوهشگران تلاش نموده اند با بررسی ویژگی های دنیای مجازی و فناوری اطلاعات، نحوه تطبیق با نظام تعلیم و تربیت را با آن تشریح نمایند تا با توجه به نظریه ویگوتسکی همسالان از همدیگر یاد بگیرند و این رفتارهای پسندیده اپیدمی و همه-گیر شود و افراد جامعه در نهایت نظرات مختلف را با احترام به همدیگر بپذیرند یا حداقل تحمل نمایند.

کلمات کلیدی: دانش آموزان، احترام به افکار و عقاید، تحمل افکار و عقاید،

پرسش مهر رئیس جمهور.

مقدمه

متفاوت بودن و آزادی عقیده یکی از مهمترین ویژگی‌های ذاتی هر انسان است و تا زمانی که عقاید و باورهای متفاوت یک فرد، منجر به توهین، سلطه و تحقیر دیگری نشده باشد، نمی‌توان وی را به عدم تسامح متهم نمود. یکی از مهمترین مکان‌هایی که می‌توان احترام به افکار و عقاید دیگران را تمرین کرد مدرسه می‌باشد. معلم در ارتباط خود با دانش آموز باید موارد بسیاری را در نظر بگیرد، به عنوان نمونه معلم نباید رفتارهایی خشن و تند را به کار گیرد و یا زیادی با دانش آموزان مدارا کرده و صمیمیت بی حد و مرز داشته باشد زیرا در این صورت دانش آموز نه تنها از معلم حساب نمی‌برد بلکه بی‌احترامی کرده و در رفتارهای خود از حدود خارج شود.

لذا معلم با پرهیز از افراط و تفریط، موضوع اعتدال را مدنظر قرار دهد و به تک تک دانش آموزان گوش داده و بعضی از دانش آموزان زنگ کلاس را به دیگران که در درسشان ضعیف‌تر است ترجیح ندهد. اصل مساوات در رفتار و عملکرد معلم نسبت به همه دانش آموزان بایستی رعایت شود، آموزگار باید حتی در زمانی که ایراد و رفتار نامناسب دانش آموز را تصحیح می‌کند به شأن و شخصیتش احترام بگذارد. سلاح تنبیه دیگر کارساز نیست زیرا که این امر سبب تغییر رفتار موقت و گاهی اوقات اثرات منفی زیادی را در پی خواهد داشت که خود مسبب رفتارهای منفی می‌شود به عنوان مثال ممکن است در ذهن دانش آموز اینگونه نقش ببندد که گاهی اوقات نظرات منفی را با زدن می‌توان از مسیر خود برداشت که این برخلاف اداب و سنن دینی ما هستند.

مراد از همدردی و همدلی با دیگران تلاش برای حس کردن تجارب فرد مقابل است. در این حالت باید سعی کرد دنیا را از چشم فرد مقابل دید و از گوش او شنید و خود را جای او احساس کرد و برای فهم دقیق افکار و احساسات او که در لحظه لحظه ارتباط در فرد مقابل ظاهر میشود حساسیت نشان داد و احساسات خود را نسبت به او بیا کرد. بنابراین برای جذب کردن دل‌های دیگران و محبوبیت نزد آنها ابتدا باید آنها را درک کرد. در این پژوهش سعی شده که راهکارهایی از جمله استفاده از حسن معاشرت و استفاده از روش‌های موفق نظریه‌های یادگیری در دنیا و رسانه‌های مختلف مورد استفاده واقع شوند تا مورد استفاده برنامه ریزان قرار گیرد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به شیوه‌ی سندی - تحلیلی انجام می‌گیرد. بدین صورت که اسناد، کتب و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش مورد مطالعه و کند و کاو قرار گرفته و ضمن معرفی مفهوم و برشمردن مؤلفه‌های تعلیم و تربیت، تهدیدات و فرصت‌های ناشی از دنیای مجازی و فناوری اطلاعات و همچنین نقش مدیر و کادر مدرسه و همسالان نیز در آموزش و پرورش بیان گردیده و به روش‌های بهره‌گیری از آن‌ها در نظام تعلیم و تربیت اشاره می‌گردد تا بتوانیم در راستای تحمل پذیری دانش‌آموزان در شنیدن نظرات مخالف و رعایت اداب اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

احمدی‌فر و دیگران در مقاله‌ای با نام «چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی تربیت در عصر جهانی شدن» به این نکته اشاره می‌کنند که فرایند جهانی شدن موجب شده تا افراد فراتر از مرزهای یک کشور به تعامل و مبادله افکار و اندیشه‌ها بپردازند که این امر نظام هی تعلیم و تربیت را در سراسر جهان دستخوش تغییراتی اساسی کرده است؛ به طوری که به اعتقاد متخصصان تعلیم و تربیت، جهانی شدن بارزترین خصیصه تعلیم و تربیت در دوره کنونی است که در حال تجربه شدن است. این پدیده با متأثر ساختن فرهنگ جامعه، نظام تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر قرار داده است (احمدی فر و دیگران، ۱۳۸۹).

حسینی (۱۳۸۹) تلاش نموده با برشمردن آن دسته از آداب تعلیم و تعلم در اسلام که ارتباط مستقیم با موضوع دارند، ابتدا مزایای آموزش الکترونیکی و سپس نگرانی‌ها و مشکلاتی که این شیوه در مسیر عمل به آن آداب ایجاد می‌کند، بیان نماید. ایروانی (۱۳۸۶) برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، به ویژه از راه گفتگو، نیازمند آموزش و بکار بستن مهارت‌ها، اخلاق و آدابی است که گروه‌های مختلف از خانواده تا جامعه را در بر می‌گیرد.

ضرغامی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «نسبت آموزش مجازی با هدف‌های تربیتی از دیدگاه فلسفه هستی» پیشنهاد نموده جهت تسهیل خردورزی، نقد و خلاقیت، آموزش مجازی در کنار آموزش حضوری و چهره به چهره؛ تأکید بر جامع-

نگری در بهره‌گیری از آموزش مجازی به جای یکسونگری فنی و بالاخره طراحی آموزش مجازی مورد پیگیری و توجه قرار گیرد.

چرا دانش آموزان برای هم کلاسی ها و معلمان خود احترام قائل نیستند؟

۱- نظام آموزشی در برخورد با بی احترامی جدی نبوده است :

از آن جا که سیستم آموزشی کشور برنامه خاصی برای برخورد با دانش آموزانی گستاخ و بی انضباطی که نسبت به معلمان بی احترامی کنند. حرمت آنان را حفظ نمی کنند، به درستی متنبه نشده، به بی احترامی های خود ادامه می دهند . به عبارت دیگر ، سیستم تربیتی مدرسه و نظام آموزشی با دانش آموزانی که احترام معلمان را نگه نمی دارند برخورد جدی و مؤثر ندارد و به همین دلیل زمینه برای بی احترامی فراهم و مساعد است . برای مثال ، دانش آموزی که به سبب بی احترامی به معلم از کلاس درس اخراج می شود ، پس از مدت کوتاهی بدون برخورد انضباطی جدی و تأثیرگذار دوباره به کلاس درس می آید (<http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>).

البته یک نظریه جهانی بیان می کند که اگر می خواهید فرهنگ یک جامعه را از بین ببرید نقش و مقام معلم را از بین ببرید و بگذارید که به وی بی احترامی شود با بی انگیزه کردن معلم و پایین آوردن شأن آن دیگر روحیه ای برای کار کردن و آبادانی رفتارهای حسنه در وی باقی نمی ماند و جامعه از ریل اصلی حرکت فرهنگی و اداب درست منحرف می شود پس بهترین گزینه احترام به معلم می باشد. و بالا بردن شأن است. اگر خواهان جامعه ای سالم باشیم.

۲- نظام خانوادگی و اجتماعی در برخورد با بی احترامی جدی نبوده است:

ما با والدین به عنوان الگو شروع می کنیم و زبان آنها را یاد می گیریم و با رسوم و رفتارهای قابل قبول فرهنگ، جامعه پذیر می شویم. افراد منحرف از الگوهایی پیروی کرده اند که باقی افراد جامعه آنها را نامطلوب می دانند. از جمله رفتارهای متعددی که کودکان از طریق سرمشق گیری فرا می گیرند، ترسهای غیر منطقی هستند. البته رفتارهای مثبتی چون توانمندی، جرات، و خوش بینی هم از والدین و الگوهای دیگر آموخته می شوند.

طبق نظریه بندورا، رفتار کودکان باید رفتار والدین آنها را منعکس کند. از طریق سرمشق گیری (modeling) با مشاهده کردن رفتار الگو و تکرار کردن آن رفتار، این امکان وجود دارد که پاسخ هایی را اکتساب کنیم که قبلا هرگز انجام نداده این و پاسخ های موجود را نیرومند یا ضعیف کنیم. کودکانی که رفتار بزرگسالی را مشاهده کردند که به بویو لگد می زند و آن را کتک می زند، وقتی با عروسک تنها گذاشته شدند، از الگو تقلید کردند (<http://dousti.net/Persian/?p=542>).

با برنامه ریزی درست از طریق رسانه های عمومی یک فرهنگی درستی را که سر منشأ آن اسلام ناب محمدی است را در جامعه که همراه با رعایت حق همسایگی و احترام متقابل به حقوق همدیگر است را می توان پرورش داد. تا افراد جامعه با سلیقه ای مختلف و توانایی های خود با احترام در کنار همدیگر زندگی کنند و این اختلافات در جهت کمال زندگی و سعادت مندی مورد بهره برداری قرار گیرد.

۳- رسانه های جمعی به معلمان نپرداخته اند :

رادیو ، تلویزیون ، مطبوعات و به طور کلی رسانه های جمعی در پایین آوردن ارزش و نقش معلمان در جامعه تأثیر داشته اند. از آن جا که این رسانه ها قدرت فراوانی در تغییر ذائقه فرهنگی، علمی ، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی هر جامعه دارند، نكوداشت مقام معلم توسط آنها می تواند اثر فراوانی بر جامعه بگذارد . متأسفانه در سال های اخیر هیچ یک از قهرمانان محبوب و موفق کارهای رادیویی و تلویزیونی یا مطبوعاتی ، معلم نبوده اند . دست اندرکاران این رسانه ها ترجیح داده اند که قهرمانان آنها مهندس ، دکتر ، سرمایه دار و ... باشند. اگر هم در کاری به معلمان پرداخته اند چنان غیر تخصصی و به دور از واقعیت بوده است که کمکی به نکوداشت مقام معلم نکرده اند، گویا معلمان در این جامعه هیچ تأثیر مثبت و جذابی ندارند (<http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>).

در صورتی که موتور مولد همه ی آنها معلم بوده و هست. حال اگر نیم نگاهی به کشورهای پیشرفته بکنیم می توانیم دریابیم که به عنوان مثال در کشور ژاپن با احترام به آموزش و پرورش و بخصوص مقام معلم توانستند تحولی عمیق در پیشرفت کشور حاصل نمایند.

۴- بعضی از معلمان با روش های تربیتی آشنا نیستند :

مشکلات تربیتی فقط مختص دانش آموزان آموزش ندیده و تعلیم نایافته نیست، چرا که متأسفانه بسیاری از معلمان نیز با اصول تربیت آشنا نیستند و در واکنش به برخوردها یا سوء تفاهم هایی که گاهی با کوچک ترین توضیح و تحمل از بین

خواهند رفت، رفتارهایی دور از ادب و حرف‌هایی دور از نزاکت از آنان شنیده می‌شود. وقتی معلمی حرفی زشت و ناپسند بزند چطور می‌توان توقع داشت دانش آموزان ادب را نسبت به او رعایت کرده، به وی احترام بگذارند. البته این گونه موارد در بین معلمان کم اتفاق می‌افتد، ولی همین میزان اندک نیز با توجه به الگو بودن معلمان و نیز تأثیر عمیقی که رفتار ایشان بر دانش آموزان می‌گذارد، می‌تواند از میزان احترام به آنان بکاهد.

متأسفانه این گونه برخوردها در جامعه امروز بیش تر از زمان گذشته شده است. دلیل این امر را می‌توان در آسان بودن معلم شدن و نیز تأثیر زندگی سخت و پراسترس امروزی و بی‌مهری‌هایی که بعضاً نسبت به معلم که می‌شوند و نبود انگیزه‌ی کافی و ... بر اعصاب و روان معلمان تأثیر منفی خواهد گذاشت. وقتی معلمی برای معلم شدن آموزش‌های صحیح و درست اخلاقی و ارزشی را دریافت نکرده باشد، تحت تأثیر رفتارهای نامناسب و ناپه‌نجاری‌های دانش آموزان نمی‌تواند واکنشی صحیح و اصولی از خود نشان دهد. برخورد بد و ناصحیح این گونه معلمان تا حدودی از احترام دانش آموزان نسبت به معلمان کاسته است. البته شاید بتوان گفت که معلمانی با این خصوصیت در دوران‌های گذشته هم وجود داشته‌اند. در پاسخ به این نکته باید یادآور شویم که اولاً: شمار این گونه معلمان بسیار اندک بوده است و معلمان به خاطر گذراندن دوره‌های طولانی تحصیل علم و اخلاق کم تر با مشکلات تربیتی مواجه بوده‌اند. ثانیاً: به علت کمبود وسایل ارتباط جمعی، طرز اخلاق و رفتار آنان در همان کلاس درس و نهایتاً در همان شهر پخش می‌شده است، اما امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی کوچک ترین برخورد معلم با دانش آموزان در بسیاری از موارد پس از چند ساعت در سراسر کشور یا حتی جهان پخش شده، در معرض دید عموم قرار می‌گیرد (<http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>).

روش‌های تقویت تحمل و احترام به دیگران

رویکرد یادگیری اجتماعی

از آنجا که شواهد تحقیقاتی در یادگیری اجتماعی به روشنی نشان می‌دهد که دانش آموز می‌تواند در مدرسه ارزش‌های اخلاقی و شخصی را از معلمان و از دیدگاه ویگوتسکی دانشمند معروف روسی همکلاسیهای (همسالان) خود فرا بگیرد، موارد زیر توصیه می‌شود:

الف) تنها انتخاب معلم این است که این نوع یادگیری را درک کرده و شاگرد را در جهت آن هدایت کند و یا اجازه دهد که یادگیری به شکل اتفاقی و بی حساب و کتاب رخ دهد.

ب) رفتار او مبنایی برای چنین یادگیری فراهم می‌کند، همچنانکه رفتار دیگر دانش آموزان در کلاس چنین مبنایی را فراهم کند.

ج) نوع قضاوت‌های اخلاقی که و ارزش‌های شخصی که معلم مورد پاداش قرار می‌دهد، مؤثر است.

د) حتی نوع داستان‌هایی که در مدرسه خوانده می‌شود، فیلمها و برنامه‌های تلویزیونی که در کلاس یا جاهای دیگر ارائه می‌شوند، می‌توانند بر رشد اخلاقی و شخصی آنها مؤثر باشند.

معلم می‌تواند به سه طریق به این نوع یادگیری در دانش آموزان دست یابد:

الف) بیشتر معلمان ترجیح می‌دهند که ارزش‌های به طور کلی مقبول از نظر جامعه و فرهنگ را به دانش آموز عرضه کنند.

ب) اگر معلمان با ارزش‌های جامعه از نظر جزئیات موافق نباشند، یا حتی مخالف آنها باشند، در آن صورت به دانش آموزان خود این امکان را می‌دهند تا شقوق مختلف ارزشی را بررسی و ارزیابی کرده و دست به انتخاب شخصی معنی دارتر و عاقلانه تری بزنند.

ج) معلمان بحث و تفکر درباره موضوعات اخلاقی را برمی‌انگیزند و بدین وسیله در دانش آموزان آگاهی نسبت به مسئله خوب و بد ایجاد می‌کنند تا آنان بتوانند به شکل معنی دارتری ارزش‌های شخصی خود را بر اساس آنها بنا کنند (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

استفاده از اصول شرطی سازی (شکل دهی رفتار)

برای افزایش تحمل و احترام در مدرسه می‌توان از اصول شرطی سازی کمک گرفت. هنگام به کار بردن اصول شرطی سازی، غالباً هدف شخص ایجاد الگوهای سازگاران رفتار و نگهداری آن است. بیشتر اوقات این الگوهای رفتار، بخشی از خزانه رفتاری شخص نیستند یعنی، آنها هرگز خود به خود رخ نمی‌دهند. پس چون رخ نمی‌دهند، نمی‌توان آنها را تقویت کرد. بنابراین، شیوه‌ای شکل دهی، اغلب از رفتارهای سازگاران اولیه‌ای تشکیل می‌شوند که به صورت یک رفتار کامل و پرداخت شده، اتفاق می‌افتند.

مثالی از کاربرد شکل دهی به یک بیمار روانی مربوط می شود که علاوه بر رفتار های نامأنوس، شش دست لباس می پوشید. در مانگر برای ایجاد لباس پوشیدن مناسب، تصمیم گرفت از غذا برای تقویت کردن پوشیدن مقدار طبیعی لباس استفاده کند. اما اولین مشکل این بود که چون بیمار هرگز به طور طبیعی لباس نمی پوشید، هرگز نمی توانست تقویت را به دست آورد. بنابراین، لباس پوشیدن طبیعی به این صورت شکل داده شد: قبل از هر وعده غذا، بیمار را وزن می کردند و وابستگی را به این صورت ایجاد نمودند که وی فقط زمانی می توانست وارد نهارخوری شود که کمتر از ۱۰ کیلو لباس پوشیده باشد. بیمار در ابتدای این برنامه فقط گاهی اوقات این نکته را رعایت می کرد ولی وقتی برنامه ادامه یافت، اغلب اوقات از آن پیروی می نمود. هنگامی که وی به طور منظم از این برنامه پیروی کرد، شرایط سخت تر شد: این بار وی نمی توانست بیشتر از ۸ کیلو لباس بپوشد. بعداً شرایط به ۶ کیلو و ۴ کیلو و الی آخر تبدیل شد تا جایی که رفتار لباس پوشیدن وی به حالت طبیعی رسید. این شیوه شکل دهی به جلسات زیادی نیاز داشت، ولی سر انجام موفق شد. می توان از این اصول شرطی در جهت شکل دهی رفتارهای دیگر مثل احترام به افکار دیگران و افزایش تحمل استفاده کرد (سید محمدی، ۱۳۹۳ ص ۱۱۹-۱۲۰).

منابع دینی و مذهبی

در قرآن بیش از ۵۰ علت و عامل برای ایجاد صبر در انسانها و یا افزایش سطوح صبر از صبر معمولی یا صبر جمیل و تا حلم و بردباری بیان شده که در اینجا به توضیح برخی از آنها می پردازیم.

۱- آگاهی و شناخت، مهم ترین عامل صبر انسان

رخدادها آگاهی نداشته باشد، به طور طبیعی تحمل خود را از دست می دهد و با حالتی از خشم و غضب و هیجان عاطفی با مسئله برخورد می کند. خداوند در این باره از زبان حضرت خضر(ع) به حضرت موسی(ع) هشدار می دهد که به سبب عدم شناخت و ناآگاهی قادر به صبر در برابر افعال نخواهد بود و به سرعت نسبت به کنش ها واکنش عاطفی نشان خواهد داد. پس نمی تواند در برابر حوادث و گفتارها صبوری پیش گیرد. خداوند بیان می کند: «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا» و چگونه می خواهی بر چیزی که از آن خبر و آگاهی نداری صبر پیشه کنی؟! (کهف، آیه ۶۸) بنابراین، برای ایجاد صبر و یا افزایش آستانه تحمل و صبوری به درجه ای که در برابر حوادث و رخدادها واکنش عاطفی و عصبی نداشته باشیم باید نسبت به موضوع و کنش و حادثه علم و آگاهی و خبر داشته باشیم. آستانه تحمل افراد را مورد توجه قرار دهیم؛ البته ممکن است ما نتوانیم نسبت به همه حوادث و رخدادها آگاهی پیدا کنیم و اینجاست که باید راه دیگری را جست و جو کنیم که در عنوان «توجه به حکمت الهی در تحقق حوادث» بدان پرداخته می شود؛ زیرا در آنجا به این آگاهی اجمالی می رسیم که هر چه در جهان اتفاق می افتد به حکمت الهی و مصلحت بشر در قالب امتحان یا تنبیه است. خداوند در آیاتی از قرآن، آگاهی از سرنوشت گذشتگان را از عوامل صبر در برابر مخالفت ها و دشمنی ها دانسته است تا این گونه، پیامبر(ص) بتواند در برابر کنش ها و حوادثی که در هنگام تبلیغ با آن مواجه می شود، صبر به دست آورد و بی تاب و جزع و فزع نکند. خداوند آگاه بخشی به پیامبر(ص) در قالب اخباری غیبی را به عنوان عاملی برای صبر پیامبر(ص) مطرح کرده و فرموده است: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نَوْحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود، آیه ۴۹).

در حقیقت، گفتار نیکو، روش انسان های نیکو و باادب و گفتار زشت و ناروا روش انسان های فرومایه و بی ادب است. آن کس که خود را به روش نیکو گفتاری عادت دهد، همواره پیروز است و خود را از سرزنش دیگران بر کنار داشته است. امام علی(ع) می فرماید: 'عَوْدُ لِسَانِكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمَنُ الْمَلَامَ؛ عادت بده خود را به سخن نیکو تا از سرزنش در امان باشی (غررالحکم و دررالکلم آمدی) (به صورت موضوعی)، ج ۲، ص ۳۴۲).

خداوند همچنین آگاهی از قوانین و سنت های الهی را زمینه ساز صبر و تحمل در سختی ها و شداید دانسته و از مردم می خواهد تا نسبت به قوانین و سنت های الهی آگاهی یابند. برای آگاهی به این سنت ها می توان از خود قرآن یاری گرفت؛ زیرا در آیات قرآن سنت ها و قوانین حاکم بر جان و جامعه و جهان بیان شده است. از جمله سنت های الهی، سنت امهال و استدراج است. آگاهی به این سنت به ما این امکان را می دهد تا در برابر فشارهای کافران و تهدید دشمنان صبوری کنیم؛ زیرا می دانیم که خداوند در نهایت آنان را عذاب می کند؛ چنانکه اقوام بسیاری را هلاک کرده است. همچنین خداوند به سنت اجل مسمی برای افراد و اقوام اشاره می کند و آن را زمینه ساز ایجاد صبر یا افزایش آن معرفی می کند. (طه، آیات ۱۲۸-۱۳۰) پس اگر انسان در برابر گفتارهای تند و رفتارهای خشن دشمنان به سنت اجل مسمی توجه داشته باشد، هرگز به سرعت واکنش عصبی نشان نمی دهد و یا نمی پرسد که چرا خداوند کافران و ظالمان و مستکبران را به سرعت عذاب نمی کند و به یاری مظلوم و مستضعف نمی رود؟

۲- اراده قوی و همت عالی، عامل صبر و شکیبایی

از دیگر عوامل مهم ایجاد و افزایش شکیبایی همت عالی و عزم قوی و اراده استوار است. خداوند در آیاتی از قرآن اراده قوی را عامل شکیبایی دانسته و فرموده است: «وَأَنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران ، آیه ۱۸۶) یعنی این عزم و اراده قوی بر امور است که موجب صبر و تقوای الهی می شود. با توجه به اینکه صبر به انواعی از جمله صبر بر طاعت و انجام تکالیف، صبر بر مصیبت و مشکلات و کمبودها و صبر بر مصیبت دیگران تقسیم می شود، از نظر قرآن صبر بر مصیبت بسیار سخت تر و نیازمند عزم جدی و همت عالی است. از این رو می فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»؛ بر مصیبت صبر کن ؛ زیرا صبر بر مصیبت از کارهای استوار و عزم امور است. (لقمان، آیه ۱۷) لذا پیامبران صاحب پنج شریعت عظیم، نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع) و حضرت محمد(ص) به عنوان پیامبران اولوالعزم شناخته شده اند؛ چرا که آنان بر مصیبت ها صبر می کردند و هیجانی و عاطفی عمل نمی کردند، بلکه رفتارشان بر اساس عقل، فطرت و وحی عمل بود و هیچ گونه ترک اولی هم نداشتند. خداوند می فرماید: پس همان گونه که پیامبران نستوه، صبر کردند، صبر کن و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می شوند بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز را در دنیا نمانده اند این ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ (احقاف، آیه ۳۵).

در این آیه به خوبی بیان شده که فشارها و مصیبت هایی که از سوی مخالفان وارد می شد به حدی سنگین بود که پیامبران دوست می داشتند که آنان در همین دنیا به هلاکت برسند و مجازات شوند؛ اما ایشان صبر کرده و بر اصل دعوت به توحید استقامت می ورزیدند از این رو بر عزم در امور به عنوان راهکار افزایش آستانه تحمل و صبوری تاکید می شود. البته باید توجه داشت که زمانی می توان تحقق شکیبایی و بردباری را انتظار داشت که میان اندیشه و انگیزه یک ارتباط استوار و پیوندی محکم بر قرار شود؛ یعنی میان یقین اندیشه ای و عزم و اراده عملی قلبی این پیوند به وجود آید تا نتیجه بخش باشد.

خداوند در حوزه انگیزه ای یعنی تحقق عزم الامور و (همت عالی) به این نکته توجه می دهد که داشتن شرح صدر در عمل و رفتار بسیار مهم است. برونداد این شرح صدر همان عفو، گذشت، بخشش و آمرزش نسبت به خطاکاران و گناهکاران است. اگر انسانی بخواهد در حوزه عمل و اراده، به عزم در کارها دست یابد، باید اصل شرح صدر و گذشت و آمرزش را مد نظر قرار دهد. از این روست که خداوند به ارتباط میان صبر و غفران در تحقق عزم و همت عالی اشاره کرده و می فرماید: وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ؛ و برای کسی که صبر کند و ببخشد؛ به راستی که آن از مصادیق عزم در کارها است (شوری، آیه ۴۳).

۳- استغفار از گناهان، زمینه ساز صبر

از دیگر راه هایی که قرآن برای ایجاد صبر بیان می کند، استغفار است. بر اساس آیات قرآن، استغفار کارکردهای بسیاری دارد که می توان به دفع بلا پیش از آمدن، رفع بلائی آمده و جلب منفعت و نعمت اشاره کرد. از نظر آموزه های وحیانی، مومن همواره باید در حال استغفار باشد و اگر استغفار نبود انسان ها گرفتار انواع و اقسام بلاها و مشکلات و مصیبت ها بودند. از نظر قرآن همان طوری که وجود پیامبر(ص) مانع از نزول بلا است، همچنین استغفار، از نزول بلا ممانعت می کند. چنانکه می فرماید: خداوند، تا تو در میان آنها هستی آنها را مجازات نخواهد کرد و نیز تا استغفار می کنند خدا عذابشان نمی کند. (انفال، آیه ۳۳) پس استغفار به رفع عذاب و دفع بلا می انجامد. این گونه است که مومنان در شبانه روز دست کم هفتاد بار استغفار می گویند و در وقت خواب و هنگام تهجد شبانه به این امر اقدام می کنند (آل عمران، آیه ۱۷؛ ذاریات، آیه ۱۸).

خداوند در جای دیگر به پیوند استغفار با صبر اشاره کرده و می فرماید: «فَاصْبِرْ ... وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»؛ پس صبر کن و برای تبعات رفتارت استغفار کن. (غافر، آیه ۵۵) در این آیه بیان شده که هر عملی تبعات و دنباله هایی دارد که گاه ما متوجه نمی شویم که آثار آن بد خواهد بود. استغفار به ما کمک می کند تا در پناه خداوند از آثار و تبعات و دنباله های خواسته و ناخواسته عمل خویش در امان بمانیم. خداوند در آیات ۱ و ۲ سوره فتح به پیامبر(ص) می فرماید که او را از تبعات اعمالش حفظ می کند؛ زیرا به طور طبیعی فتح یک منطقه و کشتن دشمنان، خواسته و ناخواسته تبعاتی دارد و کینه ها را پدید می آورد. از این رو، به پیامبرش می فرماید که او را از تبعات و پیامدهای اعمالش حفظ کرده و در غفران قرار می دهد؛ ما تو را پیروزی بخشیدیم. چه پیروزی درخشانی! تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند.

باید توجه داشت که مراد از ذنب در این آیه همان معنای لغوی آن یعنی دنباله و تبعات و پیامدها است، نه معنای اصطلاحی آن به معنای گناه؛ زیرا هر عملی تبعات و پیامدهایی دارد که از آن در عربی به «ذنب» یاد می‌شود. اینکه گناه را «ذنب» و دنباله می‌گویند به سبب همان تبعات و پیامدهای دنیوی و اخروی است که برای گناه مطرح است. به هر حال در آیات و روایات بیان شده که یکی از مهم‌ترین راهکارهای ایجاد و تقویت صبر در آدمی، استغفار کردن است.

۴- اعتقاد به معاد از موجبات شکیبایی

خداوند در آیات قرآن، اعتقاد به معاد و روز جزا را از موجبات پایداری در برابر سختی‌ها و ایجاد صبر و شکیبایی در آدمی می‌داند و از مردم می‌خواهد تا به این عنصر ایجاد صبر و شکیبایی توجه کنند: «از شکیبایی و نماز یاری جوئید و به راستی این کار گران است، مگر بر فروتنان، همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.» (بقره ، آیات ۴۵ و ۴۶).

پس اعتقاد حتی در سطح اطمینان ظنی نه قطع یقینی شهودی و مانند آن به قیامت و معاد، برای تحقق صبر و شکیبایی بسیار موثر است. کسانی که به آخرت ایمان دارند، انسان‌های صبوری می‌شوند؛ زیرا اگر مصیبتی از سوی دشمنان و مخالفان به آنان وارد می‌شود و ناتوان از دفع آن باشند، امید دارند که خداوند در آخرت آنان را مجازات می‌کند و همین مسئله، صبرشان را می‌افزاید و اگر هم در جنگ با دشمن قرار گیرند استقامت می‌ورزند و حاضر هستند در این راه شهید شوند و از حق دست بر ندارند؛ زیرا اگر پیروز شوند که خیلی خوب خواهد بود و اگر شهید شوند از بهشت موعود بهره‌مند می‌شوند. همین نگاه به مسائل موجب می‌شود که همواره خود را موفق و پیروز بدانند و بگویند چه کشته شویم و چه بکشیم باز ما پیروز هستیم و به یکی از دو نیکی دنیا و آخرت دست می‌یابیم: «ما لنا الا احدى الحسنین» (توبه، آیه ۵۲). خداوند در قرآن در تعلیل صبرپیشگی سپاهیان طالوت در برابر دشمن علت صبوری ایشان را در سایه اعتقاد به معاد و اطمینانی می‌داند که نسبت به آن داشتند: چون طالوت با سپاهیان بیرون آمد... کسانی که می‌دانستند که خدای را دیدار خواهند کرد گفتند: چه بسا گروهی اندک که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شوند و خدا با شکیبایان است (بقره ، آیه ۲۴۹).

پس اعتقاد و باور به قیامت و نیز به نزدیک بودن آن در میان مؤمنان، از عوامل شکیبایی آنها در برابر دشمنان است که در آیات ۵ تا ۷ سوره معارج نیز مورد تاکید قرار گرفته است. بنابراین، برای ایجاد و تقویت صبوری و شکیبایی و بلکه بردباری باید به افزایش ایمان و اعتقاد به معاد و پاداش و کیفر آن روز که بسیار نزدیک است توجه

کرد (<http://www.samamos.com/?p=۱۰۲۰۱>).

نتیجه گیری

در این مرحله از سن که مرحله ی تربیت پذیری پیازه است و اسلام از آن به عنوان عبودیت یاد می کند و عبد یعنی مطیع و فرمانبردار است و معلم میتواند راهبردهای تربیتی موثر و مفید را به دانش آموزان یاد دهد و آنها را مرور در طول چندین سال تمرین کند تا ملکه ذهن او قرار گیرد و بعدا به صورت مستقل و بدون کمک دیگران به آنها عمل نماید بلکه سلوک و تعامل با انسانها در دین ما به خوبی یاد شده و تعالیم آن تا جایی سفارش و تاکید شده که پیامبر ما حضرت محمد(ص) فرمودند: خداوند متعال در خصوص همسایه آن قدر تاکید کرده که فکر کردم همسایه از همسایه قرار است ارث ببرد پس ظرافت رفتارهای دینی و لزوم خو گرفتن با رفتارهای مناسب به فراوانی در دین مبین ما اسلام بیان شده می بایستی تمهیداتی در مدرسه توسط کادر مدرسه در نظر گرفته شود تا در محیط مدرسه تمرین و شکوفا و به منصف ظهور برسند در اینجا نقش معلم یک نقش کلیدی خواهد بود که با بها دادن به رفتارهای خوب و گذشت قدرت تحمل پذیری را می تواند نهادینه نماید و با گذشت زمان در بین دانش آموزان رفتارها عادی گردد و شنیدن نظرات مخالف همراه با ادب و احترام شود البته نقش رسانه ها در سرعت بخشیدن به این رخداد میمون را نمی بایستی مورد غفلت قرار داد رسانه ها با تأثیر و غلبه بر مکان و زمان با سرعت زیادی می توانند رفتارهای مطلوب را در بین افراد جامعه به صورت الگو مفید نهادینه نمایند. که به عنوان مثال کار بزرگی که رئیس جمهور محبوب با مطرح کردن این ایده؛ بایستی مورد حمایت همه اندیشمندان قرار بگیرد و از طریق رسانه های مختلف پشتیبانی شود و به صورت تفکری عظیم از جنبه های مختلف بررسی و راهکارهای آن به صورت عملی در جامعه نمایان شود تا بتوانیم در این مسیر گامی را در پرورش نسلی با قدرت تحمل افکار مختلف و مخالف همراه با اداب اسلامی پرورش دهیم.

پیشنهادهای پژوهش

- ۱- پیشنهاد می گردد امکانات بیشتری اعم از سخت افزاری (رایانه های آموزشی، تجهیزات کمک آموزشی دیجیتالی، اینترنت پرسرعت) و نرم افزاری (نرم افزارهای کمک آموزشی مرتبط با هر درس) در اختیار معلمان و مدرسان قرار گیرد. تا بتوانند از نمونه های مختلف الگوهایی مناسب برای دانش آموزان در جهت رعایت اداب در تحمل نظر مخالف پخش نمایند تا از لحاظ ذهنی آنها را آماده نمایند.
- ۲- پیشنهاد می گردد متولیان امر آموزش به موازات توسعه ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی، آموزش های لازم را نیز به متصدیان آموزشی و پرورشی برای آموزش و ایجاد جو مناسب دانش آموزی جهت تمرین تحمل پذیری ارائه نماید.
- ۳- فرهنگ سازی در این زمینه ضرورت تلاش در جهت بالا بردن سطح فهم و شکل دهی رفتارهای درست انجام شود.
- ۴- تشویق دانشجویان به استفاده بیشتر از گفتار پیامبران و معصومین علیهم السلام و عمل کردن به عنوان الگوی مناسب دینی موفق؛ باعث می شود که نگرش دانش آموزان در مورد به کارگیری این شیوه ها بهتر شود و دانش آموزان به خود باوری برسند تا بتوانند به راحتی نظر مخالف را بپذیرند.
- ۵- برگزاری همایش ها و سمینارهای مختلف در زمینه به کارگیری تکنولوژی های آموزشی در واحدهای آموزشگاهی و دانشگاهی، تا ضمن آشنا ساختن آنها با نمونه های بارز و موفق دانش آموزی بتوانند از امکانات علمی و پژوهشی به نحو مطلوبی استفاده کنند.

منابع و مراجع

- ۱- اربابیان، محمد و سهل آبادی، سعید. جلالی، علی اکبر. (۱۳۸۲). فناوری اطلاعات و ارتباطات ابزاری توانمند در خدمت توسعه روستاهای هندوستان. مجموعه مقالات: همایش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در روستا.
- ۲- ایروانی، جواد (۱۳۸۶) ، آداب گفتگو از دیدگاه قرآن و حدیث، مجله تخصصی الهیات و حقوق. پاییز ۸۶ شماره ۲۵.
- ۳- تقوی نسب، سیده نجمه، میرشاه جعفری، سید ابراهیم، نجفی، محمد (۱۳۸۸). ضرورت نوآوری در روش های تربیت دینی از منظر مبانی علمی، دینی و فلسفی، دوفصلنامه تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۹، صص ۴۵-۲۵.
- ۴- لورابکر، ترجمه: سید محمدی، یحیی (۱۳۹۰)، روان شناسی رشد جلد دوم، تهران: ناشر ارسباران.
- ۵- جان مارشال ریو. انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۸۷)، تهران: نشر ویرایش.
- ۶- کریمی، یوسف (۱۳۹۱) روانشناسی اجتماعی. انتشارات: ارسباران. بیست و پنجم.
- ۷- سید محمدی، یحیی (۱۳۹۳) روانشناسی یادگیری. انتشارات: ارسباران. چاپ یازدهم.
- ۸- غررال حکم و دررال کلم آمدی (به صورت موضوعی)، ج ۲، ص ۳۴۲.

9- (<http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>)

10- <http://dousti.net/Persian/?p=542>

11- <http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>

12- <http://www.samamos.com>

13- <http://tarbiyat4.persianblog.ir/post/11>

14- <http://www.tebyan-zn.ir/detailed>